



صفحه آخر

همیشه‌ری

حضرت امیر المؤمنین علی؛ طمع یکی از دو بخش خواری است.

آذان ظهر: ۱۲:۱۳ - غروب آفتاب: ۱۸:۱۲
آذان مغرب: ۱۸:۳۱ - نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۰
آذان صبح: ۴:۴۸ - طلوع آفتاب: ۶:۱۱

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سرپرست: دانیال معمار

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه نورچشمی، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۵۵۶-۱۹۶۶۶ - تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴
تلفن: ۳۳۰۳۳۰۰۰، ۳۳۰۳۳۰۰۰۰، ۲۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: مهری
مهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروزین
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سازمان آگهی‌ها و نامزدی‌ها: سازمان قائم مقام فراهانی، میدان شمع، خیابان شهید خدای شماره ۲۹ - طبقه اول - تلفن: ۸۸۸۶۱۸۱۹-۸۴۳۲۱۷۰

لطف مستدام



مسعود میر

سال نو حال نو هم می‌طلبد، تغییر و بهبود اما نه از اوضاع جهان دستگیرمان می‌شود و نه خودمان خیلی با آنچه مطلوب‌مان هست به صلح رسیده‌ایم. روز کهنه، سال کهنه را اخشت نهداده و حالا تازگی و نور مهیاست برای ما اگر که نخواهیم بهانه بتراشیم و با رخوت و ناامیدی ایام را به جای آفتاب، آسفالت کنیم. از شرایط سخت روزگار کم ننوشته‌ایم و نخواهیم اما آنچه باقی مانده و می‌ماند، همان وداع زمستان و هلهله بهار است. پس یادمان نرود که بالاخره هر چه زندگی ما را بچلاند و ما در تقلائی زیستن به‌صورت همدیگر احم شلیک کنیم، باز فردا صبح خورشید بر ما می‌تابد. ما محکومیم به بودن پس حالا که در جیفه‌دنیای ما چنین نگاشته‌اند، بیایید با مردم چون خورشید برخورد کنیم. می‌دانم که خیلی‌هایمان در همین شب عبیدی نام چند نفری را گوشه ذهنمان مرور می‌کنیم که تا همین پارسال خودی و رفیق و خواستی بودند اما حالا دیگر با هم سلوک‌مان نمی‌شود و به اصطلاح از هم دل بریده‌ایم اما این تمام قصه نیست. ما همگی بنده خداییم و می‌دانیم شعله لطف و مهربانی‌اش چو نان چراغ آسمانش نامیراست، پس ما چرا بنشینیم و نخندیم و نگریم؟ البته اینکه همین بیت حضرت حافظ بشود فال و حال این روزهای ما:

بنده خیر بایتم که لطفش دائم است

وور نه لطفش شیخ و زاهد هست و گاه نیست



عکس: ها، معنادار

شادا بهار



فاطمه عسائی

بوی عید، اسباب چیده شده سفره هفت سین جلوی مغازه‌ها، درختانی که تازه شکوفه زده‌اند و عیارایی که می‌دوند تا زودتر برسند، یادتان می‌آید؟ آنکه چیزی تا پایان سال نمانده که آخرین ماه سال هم دار در روزهای آخرش را می‌گذراند.

اسفند، ایستن لحظه شماری است. انتظار نوی هواس. ربطی به این ندارد که اهل عید و سنت و این حرف‌ها هستند یا نه. شمارش، گریبان افسرده‌ترین آدم‌ها را هم می‌گیرد، حتی اگر افه بیایند که دیگر هیچ چیز برایشان مهم نیست. سال که تحویل می‌شود، صدای شمارش معکوس جمعیت ناگهان قطع می‌شود. یکی دو ثانیه نفس‌ها حبس، از دهانه توب حبایی بیرون می‌آید و زود می‌ترکد. هیچ اتفاقی نمی‌افتد. یک روز مثل ۲۶۵ روز قبلی شروع می‌شود، همین. هر سال همین خبر است ولی... کی الان حوصله فلسفه و دلیل دارد؟ زنده باد هیجان شمردن. زنده باد اتفاق انتظار.



بهار، سرانجام رنج‌ها...



غسیمی محمدی

البته هر کسی نظری دارد، قاعدتا؛ ولی قطعاً باید زیباترین جاده بهاری ایران را، همین جاده اسلام به خلخال دانست. اصلاً زیبایی‌های آن یک چیز دیگر است؛ انگار که خداوند نظر خاصی داشته برای خلق چنین طبیعتی. اما می‌دانی که چرا این جاده، زیباترین است؟ چون سخت‌ترین زمستان‌ها را پشت سر گذاشته. بارندگی‌های زمستانه و پاییزه در این مسیر و این منطقه، در نوع خودش بی‌نظیر است و زمستان‌ها و پاییزهای سختی را به این منطقه تحمیل می‌کند. طوری که تصور می‌کنی چنین زمین‌هایی، از زیر بار چنین سرما و بارشی، به سلامت بیرون نخواهد آمد. اما نه تنها به سلامت بیرون می‌آید، که چشم‌نوازترین و زیباترین هم می‌شود. بهار برای من، همیشه تذکر این نکته بزرگ است که: زیباترین‌ها، از دل سخت‌ترین بیرون می‌آید؛ چرا که زیباترین‌های بهار، غالباً از جاهایی سر بر می‌آورد که سخت‌ترین و پررنج‌ترین‌ها بوده‌اند. اینجاست که یاد حافظ می‌افتم که سروده: «مقام عیش میسر نمی‌شود بی‌رنج؛ ابلی به حکم بلا بسته‌اند عهد السنت...» نمی‌خواهم با چنین استدلالی، رنج‌بردن را تئوریزه کنم؛ اما رنج، هم‌راز زندگی است و چاره‌ای نیست. ولی نکته‌ای که نباید نادیده بماند، این است که زیباترین‌ها، از دل سخت‌ترین و پررنج‌ترین‌ها بیرون می‌آید. و هر گاه به چنین چیزی شک کردی، خوب چشم‌باز کن و بهارهای جاده و شهر و دشت و صحرا و جنگل‌زده را خوب تماشا کن...



تیترهایی که دوست داریم سال آینده در صفحه یک روزنامه‌مان ببینیم

حدیث آرزومندی...



بالاخره دوره خودروهای وطنی بی کیفیت به سر رسید

پیکان قرن پانزدهم از راه می‌رسد

۲ خودرو ساز بزرگ کشور برای

تولید خودروی پیکان با تکنولوژی روز دنیا با خودرو سازهای بزرگ آلمانی و ژاپنی به توافق رسیدند

طراحی ۲ مدل خودرو با برند

پیکان توسط طراحان ایرانی شاغل در غول‌های خودرو سازی دنیا به مرحله‌هایی رسیده است

۲ خودرو ساز بزرگ کشور تولید در بهار،

خودروساز بزرگ کشور تولید انبوه و جایگزینی خودروهای فرسوده را تا پایان سال در دستور کار قرار داده‌اند

به حرمت باغ و خانه

بسته مشترک پیشنهادی شهرداری‌ها، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط‌زیست برای حفظ خانه باغ‌ها در شهر و زمین‌های کشاورزی روستایی

دست آشتی همسایه‌ها

در جلسه مشترک پوتین و زلنسکی، طرفین بر تداوم آتش‌بس و التزام بر تداوم قرارداد صلح امضا شده در هفته گذشته تأکید کردند

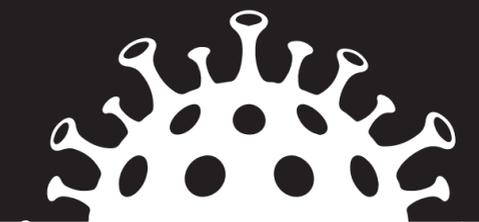
همیشه‌ری

حریم پاک رودخانه

تا تابستان ۱۴۰۱ هیچ ویلای غیر مجازی در حریم رودخانه‌ها وجود نخواهد داشت

وداع با کووید-۱۹

ایرانی‌ها امروز یک ماهگی صفر بودن آمار ابتلا به کرونا در کشور را جشن می‌گیرند



راننده

تاکسی‌ها

در چارسو

جشنواره جهانی فیلم فجر امشب در حالی به‌طور رسمی افتتاح می‌شود که مارتین اسکورسیزی و رابرت دنیرو به‌عنوان مهمان ویژه در این دور از جشنواره حضور خواهند داشت

همشهری همیشه صدای شهروندان بوده است و لاجرم هنگامی که گلایه‌ها در جامعه افزون می‌شد تیترها و مطالب ما هم دستخوش همان وقایع است. خبر خوش قلب سرزمین و دل ابرانی‌ها را فتح کند گاهی کم می‌شود اما همیشه دلچسب است که همه ما با امید زنده‌ایم. این تیتراهای درشت پیش رو در این صفحه آخر روزنامه آخر سال ۱۴۰۰ پیش از هر چیز، مکتوب شدن آرزوهای ما است و دانیم که این آرزوها از رویاهای مردمان این سرزمین جوانه زده‌اند، پس بفرمایید تیترا آرزوها را مرور کنید...

جام جهانی پاییزی با قرعه دلچسب بهاری

مراسم قرعه‌کشی جام جهانی قطر که برای نخستین بار در تاریخ برگزاری این مراسم در فصل پاییز برگزار می‌شود انجام شد. ایران با فرانسه (قهرمان جام قبل)، صربستان و بلژیک هم گروه است. این قرعه، امیدها برای صعود بوزهای ایرانی را به مرحله بعد جام جهانی افزایش داده است.

صعود خانه‌سازی سقوط مستأجرنشینی

روند ساخت و ساز در پایتخت و جدیت در انجام نهضت خانه‌سازی آمار مستأجران را کاهشی کرده است

امان از دزد



سیدمحمدرضا واحدی کارشناس فرهنگی

خدا نکند بازن و بچه از یک مهمانی یا یک گردش درون شهری یا یک مغازه گردی دو سه ساعته به خانه برگردید و ببیند تمام خانه زیر و رو شده است. در کمدها باز است و همه محتویات و لباس‌های داخل آنها روی زمین پخش شده، کشوهای زیر توالیت و پاتختی از جای خود در آمده و وسایلش کف اتاق و روی تخت‌ها و میزها ریخته شده است. چه حس و حالی پیدا می‌کنید وقتی با دیدن این صحنه شست‌تان خبردار می‌شود که لحظاتی پیش دزد یا دزدانی اینجا بوده‌اند؟ حس عدم‌امنیت؛ نه؟ بهت همسرتان و ترسی که در چشم فرزندان‌تان می‌بینید، آرزوی‌تان را بیشتر می‌کنند، نه؟ اگر سارقان چیزی هم نبرده یا پیدا نکرده باشند که ببرند، همین حس که حرز خانه‌تان شکسته شده و حریم خصوصی‌تان مورد تجاوز نامحرم‌ان قرار گرفته، خیلی بد و آزار دهنده است. اینطور نیست؟ این صحنه‌ای است که متأسفانه بسیاری از شهروندان عزیزمان با آن روبه‌رو شده و می‌شوند و متأسفانه اثری که به‌وفور هم اتفاق افتاده و می‌افتد.

جداز عوامل و ریشه‌های دزدی از جمله فقر و بیکاری و اوضاع ناپس‌امان اقتصادی که عامل اصلی و اولیه سرقت است، نحوه برخورد با سارقان در کشور ما، بسیار بی‌اثر و غیربازدارنده است و مقررات مربوطه باشد یا ناشی از ضعف و ناتوانی در اجرای آن قوانین. شاید دلیل اصلی عدم‌برخورد قاطع با این بزه‌کاران و اجرا نشدن احکام شرعی و قانونی در مورد آنان، مرعوب شدن ما از غوغاسازی بیگانگان و بدتر از آن، جوسازی و روشنفکرانه‌های همیشه منتقد داخلی باشد که برای تهاجم به حاکمیت، حتی از جنایتکاران هم دفاع می‌کنند.

آنچه مزید بر علت است و طبیعتاً منسبت و حاشیه‌امنیت خوبی برای دزدان ایجاد می‌کند اینکه کسی جرأت ندارد به مقابله فیزیکی با دزدان برود؛ زیرا در صورت درگیری و آسیب دیدن جناب دزد، ضارب محکوم به پرداخت دیه یا تحمل عواقبی دیگر می‌شود. این است که همه حتی صاحبخانه مفکوک، ترجیح می‌دهند جز خبر کردن پلیس، اقدامی نکنند و اجازه بدهند دزد کارش را بکند. بنابراین جای تعجب ندارد که شاهد تجری روزافزون سارقان باشیم و اینکه از روبه‌رو شدن با صاحبخانه یا همسایگان و اهالی ساختمان‌هایی ندانسته باشند.

چرا در کشورهای مثل عراق و سوریه که فقر و فلاکت از سر و رویشان می‌بارد، دزدی کمتر است. چون در عراق خود مردم می‌توانند از پس دزدان برآیند و بازخواست نمی‌شوند که چرا دزد را کتک زده‌اید. چون در سوریه وقتی دزدی دستگیر می‌شود تا بخواهد به دادگاه‌ها و محاکم اعزام شود، آن قدر از پلیس کتک می‌خورد که ده‌ها بار آرزوی مرگ کند. البته این سخن من به‌معنای تأیید مطلق این برخورد نیست، اما نمونه‌ای است که بدانیم بر خورد قاطع، می‌تواند باعث کاهش دزدی شود.

مرد خوب قصه‌های خوب

حمیدرضا محمدی روزنامه‌نگار



بعضی کتاب‌ها از بعضی آدم‌ها هیچ‌گاه از خاطر و خاطره زوده نمی‌شود. همیشه پیش چشم می‌مانند و می‌شود تا همیشه با آنها خاطر‌هایزی و خاطر‌های‌سازی کرد. «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» یکی از این آثار است. کتابی که نویسنده‌اش، ۲۷ اسفند، اگر بود، یک‌صدسالگی‌اش را جشن می‌گرفتیم و بزرگش می‌داشتیم که این چنین، کودکی چندنسل را با اثر تکرار نشدنی‌اش ساخت. «مهدی آذرزیدی» را تا پیش از آنکه این ۸ جلد در ۲۶ سالگی را به رشته تحریر درآورد شاید کسی نمی‌شناخت. عبدالرحیم جعفری بود که نخست‌بار به او میدان داد و نخستین کتاب‌های کودک و نوجوان در مؤسسه انتشارات امیرکبیر را با او منتشر کرد. کسی که به قول جعفری؛ «ها اخلاق پسندیده و تواضع و حجب و حیای خود و همچنین اطلاعات زیاد و ذوق خوش در کارهای مطبوعاتی مورد توجه خاص دکتر امجد امین بود.» جلد اول این مجموعه، گزینشی هوشمندانه از کلیله و دمنه بود و مجلدات بعد، که همه یکسر تعلیمی و اخلاقی بودند، به مرزبان‌نامه، سندبادنامه و قابوس‌نامه، مثنوی، قرآن، شیخ طیار، گلستان و بوستان و چهارده معصوم اختصاص داشت.

از میان اهل قلم که در همان اوان انتشار، خیلی خوشش آمد و استقبال کرد و مؤلف را ترغیب و تشویق کرد، جلال‌الاحمد بود؛ «هفته پیش که از درس برمی‌گشتم، در کتابفروشی این آقای زمانی کتاب «قصه‌های خوب» را دیدم، یعنی خریدم و همین‌روز در حدود نصف آن را خواندم... اولاً خوشحال شدم که شما روی پای خود بلند شددید، و با این قدم اول بسیار سنگین و پخته امیدوارم راه درازی بتوانید بسپردید... با نثر شیرین و کارگشته خودتان که در آن به منتها درجه از نثر قلابی و قلابم‌های روزنامه‌ها گریخته بودید سابقه طولانی خودتان را در امر مطبوعات نشان داده بودید و با انتخاب دقیق قصه‌ها حسن سلیقه خودتان را... می‌دیدم که از همین کتاب‌ها برای معلمی مثل من... چه کتاب شیرینی می‌شود در آورد.»

آذرزیدی افزون بر این، آثار دیگری نیز برای کودکان و نوجوانان قلمی کرد که از جمله مجموعه ۱۰ جلدی «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن» بود اما هیچ‌یک از آثارش به اندازه آن ۸ جلد دیده نشده. او که چون حاضر نبود لباس خاصی را بر تن کند از دریافت جایزه سلطنتی در سال ۱۳۴۲ صرف‌نظر کرد و ترجیح داد بر اصول خود پایبند بماند؛ «منی توانم لباس فراگ بیوشم، بچه‌های محله‌ام مسخره‌ام می‌کنند، نه لباس فراگ می‌پوشم و نه به دربار می‌آیم و نه جایزه می‌خواهم.» اما به قول جعفری؛ «آن روز به هر ترتیب بود راضی‌اش کردیم و برایش کراواتی خریدیم و روانه جلسه آکمیسیون ملی آ یونسکو شدیم.» و جایزه ویژه آن را در سال ۱۳۴۲ دریافت کرد.

مخلص کلام آنکه پدر ادبیات کودک و نوجوان ایران، بانثر شیوا و زیبا و ساده و صمیمی اما سخت و پخته‌اش، با «قصه‌های خوب» برای بچه‌های خوب، کودکی و نوجوانی خیلی‌هایمان را ساخت.

۱۰۰ سالگی‌ات مبارک آقای آذرزیدی.

بعد از سال‌ها خشکسالی و درگیری فلات

ایران با تنش‌های آبی، کارشناسان از آغاز یک دهه ترسالی در کشور خبر می‌دهند

این پیش‌بینی دلچسب در صورت تحقق

می‌تواند تغییرات بسیاری در کشاورزی صنعت و زیست‌بوم ایران ایجاد کند